****

**امتیازیان، بیژن،** (۱326- 1400). فرمانده تیپ ۱ پیاده لشکر ۲۱ پیاده حمزه (ع) نیروی زمینی ارتش. سوم دی، در شاهرود دیده به جهان گشود. پدر بزرگوارش، یدالله و مادر گرامی‌‌اش مهرطوبی بزمی نام داشتند (تصویر شناسنامه). تحصیلات ابتدایی را در شاهرود و تحصیلات دبیرستان را در تهران در مدرسه شمس‌العلماء قریب سپری کرد و در ۱۳۴۶ موفق به اخذ دیپلم ریاضی شد. در دوازدهم مرداد همان سال موفق به ورود به دانشکده افسری نیروی زمینی ارتش شد. پس از طی سه سال دروس علمی و نظامی، در یکم مهر ۱۳۴۹ به درجه ستوان‌دومی نائل آمد و جهت طی دوره مقدماتی رسته پیاده به مرکز آموزش پیاده شیراز منتقل شد. پس از فارغ‌التحصیلی، در یکم تیر ۱۳۵۰ به مرکز آموزش کادر تهران اختصاص یافت و به‌عنوان فرمانده دسته یک گروهان ۳ آموزشگاه گروهبانی انجام وظیفه کرد. وی در این مرکز، مشاغلی همچون معاون و افسر آموزش گروهان سوم، معاون و فرماندهی گروهان یکم را تجربه کرد. ستوان‌یکم امتیازیان سپس به لشکر 1 پیاده مرکز اختصاص یافت و در ‌آنجا در مشاغل فرماندهی گروهان ارکان گردان ۱۴۲ پیاده، معاون فرمانده گروهان، معاون و رئیس رکن سوم و چهارم همان گردان را بر عهده گرفت. سروان امتیازیان در همین حین، دوره خمپاره‌انداز ۱۲۰ میلی‌متری را به مدت چهار ماه و نُه روز از هفتم شهریور ۱۳۵۶ در شیراز و همچنین دوره نهم زبان انگلیسی را به مدت شش ماه از چهارم آذر ۱۳۵۷ در مرکز آموزش زبان‌های خارجه تهران سپری کرد. در 1358 در قالب گردان ۱۴۲، به مدت دو ماه به مناطق عملیاتی غرب کشور اعزام شد. سیزدهم دی ۱۳۶۰، به مرکز آموزش ۰۶ منتقل و به‌عنوان فرمانده پشتیبانی آن مشغول خدمت شد. سرگرد امتیازیان در یکم فروردین ۱۳۶۲، به لشکر ۷۷ پیاده خراسان منتقل و به فرماندهی گردان ۱۲۹ پیاده منصوب شد. مدتی نیز سرپرستی تیپ ۲ پیاده قوچان لشکر را عهده‌دار بود. سرهنگ‌دوم امتیازیان جهت طی دوره عالی، در هشتم اسفند 1363 به مرکز آموزش پیاده منتقل شد و سپس در یازدهم فروردین ۱۳۶۴ به لشکر ۲۱ پیاده حمزه (ع) اختصاص یافت و به‌عنوان معاون فرمانده تیپ 1 پیاده لشکر ۲۱ پیاده حمزه (ع) منصوب شد. سرهنگ امتیازیان در هجدهم خرداد ۱۳۶۵، فرماندهی تیپ 1 پیاده لشکر ۲۱ پیاده حمزه (ع) را عهده‌دار شد. یکم مهر ۱۳۶۶ جهت طی دوره به دانشکده فرماندهی و ستاد منتسب شد. پس از طی آن، دوباره به لشکر ۲۱ پیاده حمزه (ع) منتقل شد و تا پانزدهم تیر 1369 در این لشکر به‌عنوان رئیس رکن سوم لشکر مشغول خدمت بود. سپس به مرکز آموزش ۰۱ کادر منتقل و به فرماندهی هنگ 1 مرکز آموزش ۰۱ منصوب شد. پنجم تیر ۱۳۷۰، به‌عنوان معاون مرکز آموزش ۰۲ انتصاب یافت (پرونده خدمتی). سرهنگ امتیازیان در سیزدهم مرداد ۱۳۷۰ به درجه سرتیپ‌دومی نائل آمد (دفتر دستور مرکز آموزش ۰۲). پانزدهم مرداد 1371 به لشکر ۵۸ تکاور ذوالفقار منتقل به معاونت تیپ ۲ تکاور منصوب شد. از ابتدای شروع جنگ تحمیلی، به مدت ۶۵ ماه و ۱۱ روز در مناطق عملیاتی غرب و جنوب غرب کشور مشغول انجام وظیفه بود (پرونده خدمتی). با دخترخانمی از خاندان فامیل‌خدا ازدواج کرد که ثمره آن دو فرزند به نام‌های بهدیس متولد نهم آذر 1353 و گلدیس متولد سوم اسفند 1359 بود (تصویر شناسنامه). او در سیزدهم مرداد ۱۳۶۵ در منطقه سومار، مورد تک شیمیایی دشمن قرار گرفت و برابر نظر شورای عالی پزشکی نیروی زمینی ارتش و به استناد صورتجلسه پزشکی مورخه نهم آبان ۱۳۸۷ بیمارستان ۵۰۳ ارتش به علت ضایعات اگزمایی اندام‌های فوقانی و تحتانی و همچنین پرخونی عروق ملتحمه هر دو چشم ناشی از مسمومیت شیمیایی، مشمول پنج درصد از کارافتادگی شد (پرونده مجروحیت). یکی از رزمندگان دفاع مقدس درخاطره‌ای از دلاورمردی ایشان که در پایگاه اطلاع‌رسانی آیه‌های انتظار منتشر شده، این‌گونه گفته است: «ارتفاع ۲۵۱۹ جایی بود که گردان سرگرد بیژن امتیازیان روی آن استقرار داشت. صبح با صدای انفجاری که سنگرمان را داشت روی سرمان خراب می‌کرد، از جا پریدیم. دویدم بیرون که تازه صدای غرش هواپیماها را شنیدیم. پاتک نیروهای دشمن روی ارتفاعات ۲۵۱۹ که کلید منطقه محسوب می‌شد، شروع شده بود. دشمن به تصور اینکه ما احتیاط هستیم، بمبارانش را همراه با آتش تهیه روی نیروهای ما شروع کرده بود. پاتک دشمن با یک آتش سنگین توپخانه و هوایی شروع شد. با قطع آتش روی ارتفاع ۲۵۱۹، انبوهی از بالگردها در مقابل ارتفاع ۲۵۱۹ که بچه‌ها آن را کله‌اسبی می‌گفتند، ظاهر شدند که در سه ارتفاع مختلف با تمام قدرت روی کله‌اسبی آتش ‌می‌ریختند. من این صحنه را گویی دارم در صحنه سینما تماشا می‌کنم، از یال ارتفاع خدرشرفان می‌دیدم. از پائین ارتفاع که روستای رایات بود، ناگهان انبوهی از گلوله‌های چهارلول به آسمان روانه شد و بالگردهای دشمن مثل پشه‌هایی که دچار حشره‌کش شده باشند، به کوه برخورد ویا می‌ترکیدند و یا دور خود می‌چرخیدند و به زمین می‌خوردند. آن‌چه اتفاق افتاد این بود که یک تیپ نیروی مخصوص موفق شده بود در دامنه کله‌اسبی پیاده شود و به‌سمت رأس ارتفاع جایی که مواضع نیروهای خودی بود، پیش بروند. شلیک بی‌امان توپخانه طرفین و اصابت گلوله‌های توپ برروی ارتفاع ۲۵۱۹ و مسیر روشن گلوله‌های تیربار‌ها، نشان از درگیری بسیارسخت داشت که چند ساعتی ادامه پیدا کرد و سپس در حوالی ظهر خیلی کم شد. ده فروند بالگرد هوانیروز شامل ۲۱۴ و شنوک در چندین پرانه پرواز، تیپ ویژه شهدا به فرماندهی کاوه را روی ۲۵۱۹ هلی ‌برن کردند. گردان بیژن امتیازیان توانسته بود پاتک دشمن را دفع کند. شنیدم که از مدافعان ۲۵۱۹ زیر آن آتش و حمله کماندوهای عراقی، سه سرباز با دو تیربار بیشتر نمانده بود که با همان امکانات با اینکه گلوله خورده بودند، توانستند تا رسیدن احتیاط، ۲۵۱۹ را حفظ کنند. عصر جهت گزارش وضعیت منطقه، خودم به قرارگاه تیپ۲ پیاده قوچان لشکر ۷۷ پیاده خراسان رفتم. تمام فرماندهان تحت امر تیپ آمده بودند. در اون روز بیژن امتیازیان به‌ دلیل رشادت‌های گردانش در حفظ مواضع از هجوم دشمن، به درجه سرهنگ‌دومی ارتقا یافت» (آیه‌های انتظار). سرتیپ‌دوم ستاد بیژن امتیازیان که در تیراندازی دارای مهارت عالی و تا حدودی مسلط به زبان انگلیسی و زبان ایتالیایی بود، سرانجام در شانزدهم آذر ۱۳۷۲ به علت ضایعات شیمیایی، به افتخار بازنشستگی نائل آمد (پرونده خدمتی، فرمان ۱۶۵۱ همگانی). سرانجام در 29 آبان ۱۴۰۰ دعوت حق را لبیک گفت و در قطعه ۲۷ بهشت زهرا (س) به خاک سپرده شد (بهشت زهرا). **مآخذ**: پایگاه اطلاع‌رسانی آیه‌های انتظار؛ پایگاه اطلاع‌رسانی بهشت زهرا (س)؛ پرونده خدمتی، معاونت نیروی انسانی، ستاد نیروی زمینی ارتش؛ پرونده مجروحیت؛ تصویر شناسنامه.